

بر اساس این شاخص، FDI در دسته سرمایه‌گذاری‌های بین‌کشوری به‌وسیله یک نفر ساکن یک کشور (سرمایه‌گذار مستقیم) در یک بنگاه (سرمایه‌گذاری‌کننده مستقیم) ساکن کشور دیگری غیر از کشور سرمایه‌گذار مستقیم با هدف بهره‌برداری بادوام قرار دارد. انگیزه سرمایه‌گذار مستقیم برقراری روابط استراتژیک بلندمدت با بنگاه سرمایه‌گذاری‌کننده مستقیم برای کسب اطمینان از نفوذ معنادار در مدیریت بنگاه است. "بهره‌برداری بادوام" هنگامی بروز می‌کند که مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم ۱۰ درصد یا بیشتر از قدرت رأی (مدیریت) یک بنگاه ساکن یک کشور در اختیار یک سرمایه‌گذار ساکن یک کشور دیگر باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم حتی ممکن است امکان دسترسی به اقتصاد شرکت سرمایه‌گذاری‌کننده مستقیم را فراهم کند که در غیر این صورت ممکن نبود. اهداف سرمایه‌گذاری مستقیم از اهداف سرمایه‌گذاری در سبد دارایی که هدفش کنترل مدیریت بنگاه سرمایه‌گذاری‌کننده نیست، متفاوت است (OECD, ۲۰۰۸a).

رابطه بین FDI و شرکت‌های چندملیتی ((MNE) Multi-National Enterprises) نیز باید مشخص شود. یک MNE مجموعه‌ای از بنگاه‌ها و سایر مشاغل است که در بیش از یک کشور راه‌اندازی شده است. راه‌اندازی یا انتقال به یک نمایندگی خارجی در حقیقت در نتیجه جریان‌ات انباشته FDI است (Hofmann, ۲۰۱۳). بنگاه‌های سرمایه‌گذاری‌کننده مستقیم شرکت‌هایی هستند که ممکن است زیرمجموعه شرکت مادر (شرکت‌های تابعه) (Subsidiaries) باشند، که بیش از ۵۰ درصد قدرت رأی آن را در اختیار دارد، وابستگان به شرکت مادر (Associates) که بین ۱۰ تا ۵۰ درصد قدرت رأی آن را در اختیار دارد یا ممکن است نمایندگی‌ها باشند که شاخه‌ای از شرکت اصلی هستند و ۱۰۰ درصد اداره آن‌ها در اختیار بنگاه مادر است. فرزندخوانده‌های شرکت مادر (Affiliates)، که در ادبیات موضوع به‌طور غیرسیستماتیک‌تر مورد اشاره قرار گرفته، هم

جریان‌های بین‌المللی سرمایه و شرکت‌های چندملیتی

International Capital Flows & Multi-National Enterprises (MNEs)

قواعد حاکم بر نظام پولی برتن‌وودز که پس از جنگ جهانی دوم برقرار شده، موجب شکل‌گیری نهادهای جدید فعال در زمینه نقل و انتقال سرمایه از جمله شرکت‌های چندملیتی شد. اما از دهه ۱۹۷۰ میلادی با فروپاشی نظام برتن‌وودز، تحرک سرمایه و تعمیق بازارهای بین‌المللی آن شتاب بیشتری گرفته است. تأمین ایچنگرین (Eichengreen, ۱۹۹۶) معتقد است: "نارسایی سازوکارهای تعدیل موجود و دشواری بسیار زیاد عملیاتی کردن یک سیستم با نرخ‌های ارز تثبیت‌شده در کنار تحرک بین‌المللی بسیار زیاد سرمایه اولین درس حاکمیت نظام پولی بین‌الملل برتن‌وودز بود".

مفاهیم، تعاریف و مرزبندی‌ها

اشکال گوناگون سرمایه‌گذاری خارجی عموماً به‌وسیله درصد سهام موجود سرمایه‌گذاران خارجی از یکدیگر تفکیک می‌شود. برای مثال، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign Direct Investment) از سرمایه‌گذاری خارجی در سبد دارایی (Foreign Portfolio Investment) به‌وسیله آستانه ۱۰ درصد سهام متمایز می‌شود. اکتساب سهام کمتر از ۱۰ درصد نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری در سبد دارایی است (UNCTAD, ۲۰۰۱). با وجود این، این ۱۰ درصد سهام نیست که متمایزکننده FDI از FPI است، بلکه این اهداف متفاوت است که پشت این اشکال سرمایه‌گذاری نهفته است. براساس تعریف شاخص OECD از سرمایه‌گذاری خارجی، FDI از FPI، مشتقات مالی (به‌غیر از سهام) و اختیار خرید سهام، سایر سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌های ذخیره‌ای به‌واسطه ابعاد "روابط طرفین سرمایه‌گذاری" و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری تفکیک می‌شود (OECD, ۲۰۰۸a).

قراردادی است که سرمایه‌گذار خارجی بدون حضور حقوقی در کشور میزبان سرمایه، هماهنگی و کنترل فعالیت‌های شرکت‌های همکار خود را در آن کشور صورت می‌دهد.

سرمایه‌گذاری خارجی سهمی در قالب ترتیبات قراردادی (Contract Arrangements (CA))، همانند سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی است اما با دو تفاوت اصلی:

۱- شخصیت حقوقی در کشور میزبان با هدف خاص و به صورت شرکت پروژه و به واسطه ترتیبات قراردادی موجود ایجاد و تأسیس می‌شود.

۲- حضور در کشور میزبان نامحدود نبوده و زمان آن در قالب قرارداد تعیین شده است (OECD, ۲۰۰۸a).

حاصل این اشکال سرمایه‌گذاری شکل‌گیری بدهی خارجی برای کشور سرمایه‌گذاری‌کننده است. از این رو، لازم است از این واژه نیز تعریفی داشت.

بدهی خارجی (External Debt)

در واژه‌نامه صندوق بین‌المللی پول در تعریف بدهی (Debt) از تعهدات مالی تسویه‌نشده حاصل از وام‌های گذشته نام برده شده است. بدهی ممکن است به طلبکاران خارجی یا داخلی باشد و به طور معمول، تأمین مالی بدهی در قالب وام یا اوراق قرضه است. بدهکار ممکن است یک نهاد عمومی (دولتی) یا بخش خصوصی باشد (IMF, ۲۰۰۶).

در همین ارتباط یک گروه کاری بین‌المللی در مورد بدهی‌ها شامل بانک تسویه بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و بانک جهانی بر یک تعریف محوری بدهی خارجی به توافق رسیده‌اند: "بدهی ناخالص خارجی در هر مقطع زمانی، مقدار پرداخت‌نشده یا تسویه نشده تعهدات قراردادی ساکنین یک کشور به ساکنین کشورهای دیگر به قصد بازپرداخت اصل با

به شرکت‌های تابعه، هم‌نمایدگی‌ها و هم‌شرکت‌های همکار اشاره دارد. روابط بین سرمایه‌گذار مستقیم و شرکت سرمایه‌گذاری‌کننده مستقیم ممکن است بسیار پیچیده باشد و اشاره‌ای هم به ساختار مدیریت نداشته باشد (OECD, ۲۰۰۸).

سرمایه‌گذاری در سبب دارایی خارجی که شامل وام و اوراق قرضه نیز هست نه با مقصد کنترل بلکه با مقاصد مالی خالص انجام می‌گیرد. اشکالی که به عنوان FDI طبقه‌بندی شده است شامل سهام سرمایه، سرمایه‌گذاری مجدد دریافتی‌ها و تأمین وام‌های درون بنگاهی کوتاه‌مدت و بلندمدت (بین بنگاه مادر و بنگاه‌های تابعه) است. براساس (UNCTAD, ۲۰۰۱)، با وجود این، مبادلات سبب دارایی می‌تواند با حق کنترل، اداره و مدیریت شرکت با منشأ ترتیبات غیرسهمی و قراردادی همراه شود. با این حال، به منظور ارائه یک تعریف جهان‌شمول بین‌المللی برای فراهم کردن امکان مقایسه

آمارهای بین‌کشوری، تعریف شاخص به اعتبار آستانه ۱۰ درصد سهام برای تفکیک بین FPI و FDI اشاره دارد (UNCTAD, ۲۰۰۱).

افزون‌براین، سرمایه‌گذاری مستقیم را می‌توان به دو دسته افقی و عمودی طبقه‌بندی کرد. در سرمایه‌گذاری افقی شرکت در کسب‌وکاری سرمایه‌گذاری می‌کند که خود آن شرکت در کشور خود مشغول به همان فعالیت است. در سرمایه‌گذاری عمودی شرکت در سایر کسب‌وکارها که در نقش تأمین‌کننده یا توزیع‌کننده‌اند، سرمایه‌گذاری می‌کند.

سرمایه‌گذاری خارجی غیرسهمی (Non-Equity (NEM) Mode of Investment)

این نوع سرمایه‌گذاری نظیر قراردادهای ليسانس، فرانسیز، مدیریت، برون‌سپاری خدمات، قراردادهای ساخت، پیمانکاری اصلی و فرعی و به‌طور کلی هرگونه رابطه

فوت‌وفن و مهارت‌های ایجادشده به‌وسیله فعالیت‌های آموزشی و تربیتی اتفاق می‌افتد (Bennett, ۲۰۰۲).

فرایند انتقال فناوری نمی‌تواند در خلأ اتفاق بیفتد، چون پدیده‌ایی است که به‌طور گسترده ارتباط نزدیکی با نحوه برخورد با حق انحصاری دانش از طریق قوانین مالکیت معنوی، ساختار بازارها و چگونگی تضمین مبادلات دارد. این امر ممکن است بر فرایند رقابتی خلق، انتقال و انتشار فناوری و اقدامات کشور میزبان برای کنترل فرایند ایجاد، انتقال و پخش فناوری از طریق الزامات عملکردی اثر داشته باشد (UNCTAD, ۲۰۰۱).

همچنین، عبارت «انتقال تکنولوژی» در مفهوم وسیع خود فرایند خلق دانش، مهارت‌ها و تجارب به‌وسیله دریافت‌کننده فناوری را به‌عنوان نتیجه مستقیم حمایت‌ها و کمک‌های منبع تأمین‌کننده آن مشخص می‌کند. می‌توان گفت فرایند فوق به درک تکنولوژی انتقال‌یافته، جذب و تطبیق آن با شرایط محلی وابسته است و با اطمینان از حفاظت از آن، بهره‌برداری مؤثر و بادوام از آن به‌وسیله دریافت‌کننده تکنولوژی کامل می‌شود. به‌عبارت دیگر، فرایند اکتساب بومی‌سازی یا یادگیری تکنولوژی انتقال‌یافته و دانش مربوط به تجربه آن توسط دریافت‌کننده است. این در حالی است که تحقق کارآمد انتقال تکنولوژی به دو عامل مهم بستگی دارد؛ الف) برخورداری دریافت‌کننده تکنولوژی از یک پایه علمی مشخص، ب) شدت تلاش‌ها برای گسترش پایه علمی موجود. شدت تلاش برای توسعه پایه علمی به‌ویژه در مقایسه با خود پایه علمی موجود از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا اولی است که دومی را تعیین می‌کند نه برعکس (Techakanont, Terdudomtham, ۲۰۰۴).

فرضیه آریب مهارتی تغییرات فناوری

و بدون بهره یا پرداخت بهره بدون یا با اصل است" (UNCTAD, ۲۰۰۱).

با تأکید بر اینکه پایداری بدهی یک اصل زیربنایی و ضروری برای رشد است و علم به اینکه بحران‌های بدهی از جمله برای اشتغال و سرمایه‌گذاری تولیدی پرهزینه و مخرب‌اند و گرایش به کاهش هزینه‌های عمومی در زمینه بهداشت و آموزش تأثیرگذار بر فقر و گروه‌های آسیب‌پذیر را تشدید می‌کنند، اهمیت مدیریت مؤثر بدهی در تلاش برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار نباید نادیده گرفته شود (UN, ۲۰۱۸).

در فرایند تجزیه و تحلیل پایداری بدهی، باید تأکید کرد بر اینکه پایداری بدهی به هماهنگی بسیاری از عوامل در سطح بین‌المللی و ملی بستگی دارد. از این‌رو، شرایط خاص کشوری و تأثیر شوک‌های خارجی مانند ناپایداری قیمت‌های کالاها و انرژی و نیز جریان بین‌المللی سرمایه باید به حساب آورده شود (UN, ۲۰۱۸).

انتقال فناوری و انتشار (Technology Transfer and Diffusion)

یکی از انگیزه‌های اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم انتقال فناوری است. منظور از انتقال فناوری فرایندی است که در آن فن تولید به‌طور آگاهانه بین کشورها و بنگاه‌ها انتشار پیدا می‌کند. به‌عبارت دیگر، "انتقال فناوری" یک نوع برون‌ریزی مستقیم است که به‌طور آگاهانه از طرف مالک فناوری (از قبیل شرکت‌های چندملیتی یا بنگاه‌های خارجی) به دریافت‌کننده (مثل بنگاه‌های ملی، نمایندگی چندملیتی‌ها و عرضه‌کنندگان کالا در کشور میزبان) به‌وقوع می‌پیوندد. این امر به شکل تعبیه‌شده در تجهیزات عرضه‌شده (همچون ماشین‌آلات، دستورالعمل‌ها و تجهیزات) یا تجسم‌یافته به شکل نرم‌افزار، برخورداری از حق امتیاز، دانش، آگاهی از

انتقال فناوری مناسب با نیازها و شرایط رایج در کشورهای درحال توسعه متمرکز شود (UNCTAD, ۱۹۹۶a: ۱/۵۳-۵۴). یک چالش مهم برای دولت‌ها نحوه فراهم‌سازی زیرساخت‌های نوآوری مؤثر و کارآمد است. بنابراین اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، آن فناوری‌ای مناسب است که منافع حاصل از دانش موجود را حداکثر و ظرفیت ایجاد نوآوری‌ها را کارآمدتر و مؤثرتر سازد. بنابراین، بسته سیاست‌گذاری مؤثر فناوری ممکن است خاص کشوری، منطقه‌ای و صنعتی باشد، اما برای موفقیت، سیاست‌های کاملاً متمرکز برای تقویت ظرفیت جذب و قابلیت‌های نوآوری در بنگاه‌های بومی همیشه بسیار مهم است.

کتاب‌شناسی

- Bennett, D. (۲۰۰۲). *Innovative technology transfer framework linked to trade for UNIDO action*, Vienna, Austria: UNIDO.
- Eichengreen, B. (۱۹۹۶). *Globalizing Capital, A History of the International Monetary System*, Princeton: Princeton University Press.
- Goos, M. and Salomons, A. (۲۰۱۴). "Explaining job polarization: routinebiased technological change and offshoring", *American Economic Review*, ۱۰۴ (۸), ۲۵۰۹-۲۵۲۶.
- Hofmann, P. (۲۰۱۳). *The Impact of International Trade and FDI on Economic Growth and Technological Change*, Springer Heidelberg New York Dordrecht London.
- IMF. (۲۰۰۶). "Glossary of Selected Financial Terms, Financial Organization and Operations of the IMF", *IMF Pamphlet Series*, No. ۴۵.
- IMF. (۲۰۰۹). *Balance of payments and international investment position manual, BPM6*, International Monetary Fund (IMF). Washington, DC: IMF Publication Services.
- OECD. (۲۰۰۸). *OECD Benchmark Definition of Foreign Direct Investment, FOURTH EDITION* ۶ - ISBN ۹۷۸-۹۲-۶۴-۰۴۵۷۳-۶.
- Techakanont, K. and Terdudomtham, T. (۲۰۰۴) "Evolution of inter-firm technology transfer and technological capability formation of local parts firms in the Thai Automobile Industry", *Asian Journal of Technology Innovation*, ۱۲(۲), ۱۵۱-۱۸۳

در رابطه با تغییرات فناوری نیز فرضیه‌هایی مطرح شده است. یکی از این فرضیه‌ها، فرضیه "اریب‌مهارتی تغییرات فناوری (Skill-Biased Technological Change (SBTC))" است و از مشاهده انتقال تقاضا به سمت نیروی کار آموزش‌دیده‌تر شکل گرفته است. اما SBTC قادر نیست پدیده اخیر قطبی شدن مشاغل را توضیح دهد. فرضیه اصلی که برای توضیح این قطبی شدن مشاغل مطرح شده، این است که تغییرات فناوری جدید به سمت جایگزینی نیروی کار با توانایی‌های معمولی با نیروی کار با مهارت بالا اریب‌دار است که می‌توان آن را اریب‌جایگزینی مشاغل معمولی تغییرات فناوری (Routine-Biased Technological Change (RBTC)) نامید. همچنین یک نوع ناپدید شدن مشاغل وجود دارد (که این خود نیز تحت تأثیر تغییرات تکنولوژیک است). این دو نیرو هر دو تقاضا برای نیروی کار با مهارت متوسط را در مقایسه با تقاضا برای نیروی کار با مهارت بالا و کم مهارت را کاهش می‌دهد (Goos, Manning and Salomons, ۲۰۱۴).

فناوری مناسب

به‌منظور بهبود دسترسی به فناوری‌های نوین به‌وسیله کشورهای در حال توسعه؛ برای انطباق تکنولوژی با نیازهاشان، برای گسترش قابل توجه کمک از طرف کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه در برنامه‌های تحقیق و توسعه آن‌ها و ایجاد فناوری مناسب برای انطباق شیوه‌های تجاری حاکم بر انتقال فناوری با الزامات توسعه این نوع کشورها و جلوگیری از سوءاستفاده از حقوق فروشندگان و ترویج همکاری‌های بین‌المللی در تحقیق و توسعه، اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت و استفاده قانونی از منابع طبیعی و همه منبع انرژی، تمام تلاش‌ها باید برای ایجاد یک کد بین‌المللی رفتار برای

UN. (۲۰۱۸). *External debt sustainability and development*, Resolution adopted by the General Assembly on ۲۰ December ۲۰۱۷, ۷۲/۲۰۴.

UNCTAD. (۱۹۹۶a). *International Investment Instruments: A Compendium*, three volumes (Geneva: United Nations), United Nations publications, Sales Nos. E.۹۶.II.A.۹; E.۹۶.II.A.۱۰; and E.۹۶.II.A.۱۱.

UNCTAD. (۲۰۰۱). *Transfer of Technology*, UNCTAD Series on issues in international investment agreements, UNITED NATIONS.

Fu, X. and Gong, Y. (۲۰۱۱). "Indigenous and Foreign Innovation Efforts and Drivers of Technological Upgrading: Evidence from China", *World Development*. ۳۹, ۱۲۱۳-۱۲۲۵.

خدیجه نصراللهی

گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران



دانشگاه اصفهان